

□ دو نیمه در بهشت

بردن هم می‌تواند پشیمانی به بار بیاورد

امیر پوریا

۱- از امروز بازی‌های آخر گروه‌های هشت‌گانه جام شروع می‌شود. این که هر روز تکلیف دو گروه مشخص می‌شود و هر روز می‌توانیم دو بازی مرحله یک‌هشتم را در جدول‌های فعلاً خالی مراحل حذفی بنویسیم، خودش به قدر کافی هیجان‌انگیز است. ولی شکل منطقی و طبیعی برگزاری بازی‌ها که با همزمانی هر دو مسابقه آخر هر گروه توأم است، این هیجان‌رابه‌طور محسوس‌ی افزایش می‌دهد. ۲- خیلی‌ها از همان روز قرعه‌کشی گروه‌های جام در سال گذشته تصور می‌کردیم که آلمان میزبان، مسیر ساده‌ای برای صعود دارد و در واقع گروه یکم مسابقات را با دو صعودکننده مشخص می‌شناختیم. ولی اغلب می‌گفتیم آلمان و لهستان در این جایگاه قرار دارند و بدون شک کمتر کسی این احتمال را می‌داد که اکوادور تا این لحظه و تا پیش از بازی با خودآلمان، در صدر گروه قرار بگیرد. اکوادوری‌ها که در دور مقدماتی بعد از برزیل و آرژانتین ۳۴ امتیازی، با ۲۸ امتیاز بالاتر از پاراگوئه و اروگوئه و کلمبیا به‌عنوان نماینده سوم آمریکای لاتین به‌جام‌راه پیدا کردند، در مسابقات اسمال تا این جا گل نخورده‌اند و در اغلب دقایق هر دو بازی‌شان با کاستاریکا و لهستان، آنقدر هجومی و رو به جلو کار کرده‌اند که خط دفاع‌شان چندان محک نخورده و تحت فشار قرار نگرفته. فوروارد باتجربه اکوادور یعنی آگوستین دلاگادو که حالا در باشگاه قهرمان لیگ این کشور بازی می‌کند (ال دی یو کیتو که شش بازیکن ثابت در تیم ملی دارد و اسکلت این تیم را شکل می‌دهد)، تنها بازیکن جام است که در هر دو بازی اول تیمش به‌عنوان بهترین بازیکن مسابقه انتخاب شد. اما آلمان که البته حتماً به لحاظ تعداد موقعیت‌های ایجاد کرده بر روی دروازه حریف، تا این جای جام یکی از رکورددارها است، در بازی با کاستاریکا با راحت گل خوردن و چه در بازی با لهستان با ضعف در نتیجه‌گیری و درست زدن ضربه آخر، دچار مشکلات جدی است. تیم کلینزن طراوتی خاص و دوست‌داشتنی دارد و بی‌آن که حتی به تک‌ستاره‌اش بالاک زایدتمکی وابسته باشد، در پشروی گروهی خوب عمل می‌کند. ولی نظم و انسجام و هدف‌گذاری اکوادور برای میزبان، درست‌کار خواهد بود. این گروه بازی‌های خود را زمانی پشت سر می‌گذارد که هنوز تکلیف گروه دوم مشخص نشده و به همین جهت، آلمان و اکوادور نمی‌دانند انگلیس در آن گروه اول می‌شود یا دوم. اگر می‌دانستند، بعدنیز به کدام‌شان بخواهند از رویه‌رو شدن با شاگردان اریکسون رهنیز کنند. ولی در شرایط فعلی، آنها بعلاظتظهر برای سرگروهی یا برای حفظ تقویت اعتبار و آبروی تیم‌شان با هم می‌جنگند تا شنب به انتظار می‌نشینند تا حتی اگر مثلاً سوئد موفق به شکست انگلیس شد، آن که در گروه اول به مقام سرگروهی رسیده، از مقام خودش پشیمان شود چون انگلیس در مراحل حذفی، با تاون و تعصبی دو سه برابر بازی خواهد کرد. ضمن این که بازی دیگر گروه A این لهستان و کاستاریکا مطلقاً شریفیانی است و فقط به درد این می‌خورد که فاصله بین زمان تماشای بازی با آلمان؟ اکوادور تا بازی انگلیس؟ سوئد را برایمان پر کند و نگذارند در آن دو سه ساعت حوصله‌مان سربرود چون می‌دانید که در فاصله دو فوتبال حساس دست و دل آدم به کاری غیر از فوتبال دیدن نمی‌رود.

۳- برخلاف گروه اول که با وجود روشن شدن دو صعودکننده، عاقداً به دلایلی که توضیح‌حدم، همه سعی‌شان را برای آبروداری در بازی سوم می‌کنند، در گروه دوم اصلاً نمی‌شود مطمئن بود که بازی‌های واقعی و جدی تیم‌ها را ببینیم. اینجا سوئد چهارامتیازی و انگلیس شش امتیازی می‌توانند به راحتی با هم به توافق برسند و خود را به زحمت نیندازند و مساوی کنند تا هر دو صعود کنند. سوئد برای این توافق تبانی وار، انگیزه خیلی بالایی دارد چون حتی در صورت برد ترنیداد و توباگو در برابر پاراگوئه با اختلاف بیش از دو گل هم سوئد تنها با یک امتیاز بیشتر که با تساوی به دست می‌آید، به یک‌هشتم خواهد رسید. ولی گمانم این است که این توافق صورت نخواهد گرفت. دلپیش هم از طرفی این دیدگاه دای جان ناپلونی است که انگلیسی‌ها تا چیزی مفتعی نداشته باشند، برای خوشایند طرف پای میز معامله نمی‌روند و از طرف دیگر، این است که با تمام قدرت غافلگیرکننده اکوادور، هر تیمی ترجیح می‌دهد در اولین مرحله حذفی جام با این تیم رویه‌رو شود؛ نه با آلمان میزبان که تماشاگران متعصبش برای حریفان مراحل بعد، دوخز خواهند ساخت. بنابراین وقتی انگلیس و سوئد جلوی هم صف‌آرای می‌کنند، این چندان که انتظار می‌آید معلوم شد، یاران یکام دنبال نتیجه و مقامی خواهند بود که از رویارویی با رقیب دیرینه‌شان آلمان در یک‌هشتم نجات‌شان دهد. این حق انتخاب برای سوئد وجود ندارد و ممکن است با دوم شدن آلمان، شاگردان لاگربیک راهی جز بردن انگلیس و خوردن به میزبان نداشته باشند. در صورت تساوی یا باخت آلمان در مقابل اکوادور، این اتفاق می‌افتد و راستش را بخواهیم چون در این حالت انگلیس فقط با دوم شدن می‌تواند از احتمال بازی با آلمان خلاص شود، هیچ بعدی نیست از این یکی احتمال تبانی استقبال کند و در همان فاصله دو سه‌ساعته بعد از مشخص شدن جدول نهایی گروه A به سوئد قول بدهد که می‌بازد. این برای هر دویشان سود خواهد داشت. برای سوئد، به تنها گزینه صعود برای انگلیس، به راهی است که با کاپوس مواجه با میزبان می‌انجامد. (در این صورت، تلاش قطعاً جدی ترنیداد و توباگو در بازی هم‌زمانش با پاراگوئه، بی‌حاصل خواهد شد. در حالی که اگر انگلیس بازی عادی و واقعی‌اش را بکند و بر سوئد چیره شود، هم‌بازی‌های دواویت یورک می‌توانند با برد همراه با دو اختلاف، به مرحله بعدی صعود کنند. اینجا است که متوجه اهمیت هم‌زمانی بازی‌ها برای حفظ همه هیجان‌ها و امکان صعود برای تیم‌ها می‌شویم. اگر ترنیداد بعد از بازی انگلیس – سوئد به میدان مسابقه با پاراگوئه می‌رفت، ممکن بود با اطمینان از صعود و رقیب اروپایی گروه، دیگر انگیزه‌ای برای تلاش و پیروزی نداشته باشد. از اونج‌های زیبای فوتبال امروز، یکی‌اش هم این است که امکان مهیج‌تر شدنش را حتی با زمان‌بندی درست در برگزاری بازی‌ها فراهم می‌کند.

برزیل با پشت سر گذاشتن استرالیا به نهمین پیروزی پیاپی خود که مجموعاً در دو جام‌جهانی گذشته و ۲۰۰۶ شکل گرفته، دست یافت. سلسائو در این بازی بسان دیدار با کرواسی نکته خاصی در حرکات ستارگان پروآوا‌اش عرضه نکرد و چه بسا اگر شاگردان گاس هیدینک می‌توانستند از موقعیت‌های ایجاد شده در اواخر بازی بهره جویند، اکنون دیگر برزیل را تیم صعود کرده به مرحله بعدی مسابقات نمی‌خواندیم! برزیل دقیقاً همان تصویری از خود به نمایش گذاشت که در بازی با کرواسی نظاره‌گر آن بودیم. آنچه که مترادف بود با یک عملکرد کسالت‌بار، سرکیجه‌آور و بسیار ناامیدکننده...

در نیمه نخست برزیل که با همان آرایش همیشگی ۴-۲-۴ به میدان رفته بود و با گام‌دارن دیدا در درون دروازه، ژوان و لوسيو در قلب خط دفاعی، کارلوس و کافو در چپ و راست این منطقه توانست به خوبی حملات استرالیا را خنثی کرده، و البته با یکی دو حمله نه چندان نیش‌دار نیمه اول را بدون گل به پایان برساند. گرچه از استرالیا این تیم هماهنگ و بسیار سخت‌کوش گاس هیدینک به‌عنوان تیمی که دهه‌ها بود از چنین تورنمنتی به دور بود بیش از این انتظار نمی‌رفت اما سامبا‌ها نشان دادند که در نیمه اول با یک رونالدوی ناآماده، رونالدینیو کم‌فروغ و آدریانو ناهماهنگ و با چنین شیوه‌ای نمی‌توانند در ادامه مسابقات ره به جای ببرند. و اگر شاید کاکا نیز چنین سرنوشتی در این دو مسابقه داشت، برزیل اکنون این چنین با ۶ امتیاز صعودش را به مرحله یک‌شانزدهم نهایی، قطعی نمی‌دانست.

اما استرالیا که در این دیدار برخلاف مسابقه با ژاپن تیم کاهیل را از ابتدا در مرکز میانی خود می‌دید، از این ناحیه چندان نیش‌دار ظاهر نشد و حرکات بعضاً موثر جیسون کولینا و نیز برت امرتون در دو سوی زمین سبب تحرک نسبتاً قابل قبول مارک ویدوکا در خط حمله می‌شد. اما در نیمه دوم، برزیل بهترین شروع ممکن را داشت. هنوز ۴ دقیقه از این نیمه سپری نشده بود که رونالدو در نزدیکی محوطه جریمه با پاسی عرضی و زمینی، آدریانو را صاحب موقعیت گل کرد، که مهاجم بحران‌زده اینتر در فصل گذشته توانست طلسم ناکامی هایش را به لطف موقعیت‌سازی رونالدو – که شرایطی بهتر از آن ندارد- شکسته، و گل پیروزی بخش سلسائو را وارد دروازه مارک شوارتزر کند. در این صحنه اسکات چپیرفیلد می‌توانست در مسیر توپ قرار گیرد اما با بدشانسی مانع از به ثمر رسیدن چنین گلی نشد. این صحنه و این حرکت را می‌توان به جرات، یگانه همکاری موثر این تیم دو مهاجم، که تا پیش از شروع این جام با تبلیغات فراوان که حکایت از قدرت و مهارتشندنی آنها داشت تلقی کرد. پس از این گل، استرالیا با سیستمی فوق‌العاده و به غایت سازماندهی

بحران چک در خط حمله



حال و روز جمهوری چک نه با شکست خفت‌بار و غیرمتنظره این تیم در برابر ستاره‌های سیاه آفریقا–غنا– که با خالی دیدن لیست بازیکنان خود از مهاجمانشان بسیار وخیم و نگران‌کننده است. یان کولر مهاجم اول این تیم که در بازی نخست این تیم در برابر آمریکا در اواخر نیمه نخست دچار مصدومیت شدید شد، و نیز میلان باروش مهاجم آستون ویلا و آقای گل یورو ۲۰۰۴ که از مصدومیتش پیش از شروع مسابقات رنج می‌برد و البته اکنون نیز همچنان پابرجاست، دو مهاجمی بودند که عدم حضورشان تا مرحله گروهی این مسابقات در روزهای اخیر قابل پیش‌بینی بود. اما شرایط هنگامی وخیم‌تر شد که در بازی دوم این تیم در برابر غنا که با شکست چک نیز همراه شد، وراتیسلاو لوکونچ مهاجم بلندقامت اسبق کاپیزسالاترن با دریافت کارت زرد دوم، دوکارته شد و عملاً مسابقه آخر و بسیار حیاتی و تعیین‌کننده کشورش را از دست داد. حال این تیم بدون سه مهاجم اولش باید در روز آخر به مصاف آتروری برود که اتفاقاً آن تیم نیز انگیزه‌های والایی برای غلبه بر شاگردان کارل بروکنر دارد. در این میان پتر چک ستاره اول این تیم در برابر غنا که با واکنش‌های قابل توجه‌اش مانع از شکل‌گیری شکست سنگین‌تر کشورش شد، در خصوص بازی آخر تیمش می‌گوید: «باید اعتماد به نفس مان را ارتقا دهیم. هنوز بحران فرا نرسیده است. اگر بتوانیم بازی خودمان را انجام دهیم، و همانی باشیم که صدها ما انتظار دارند، آن وقت با اطمینان می‌گوییم که صعود به دور یک‌شانزدهم نهایی یورادای است حتمی.» حال کارل بروکنر خود را در پرتب و تاب‌ترین شرایط دوران مربیگری‌اش در تیم ملی می‌بیند. سرمربی کهنه‌کار این کشور معتقد است: «ما به‌گونه‌ای در برابر غنا ظاهر شدیم، که سبب شد نتوانیم به هدف مهم غایبی در دست یابیم. در برخی از مواقع به‌گونه‌ای افراطی در زمین آنها در حدت بودیم و همین نکته سبب رقم خوردن آن شکست سنگین شد.»



شده که از سوی رهبری چون گاس هیدینک اتخاذ شده بود، برای بازگشت به مسابقه تلاش بسیاری کرد.

۱-۵-۴ گاس هیدینک که در اصل سیستم پایه این تیم در این دو مسابقه به شمار می‌رود، تداعی‌کننده انسجام تیمی و هارمونی چشم‌نواز مجموعه‌ای دارد که از هر لحاظ شایسته حضور در مرحله یک‌شانزدهم نهایی است. حضور شوارتزر که سال‌ها است در ریورساید از بهترین‌ها به‌شمار می‌رود در درون دروازه، اطمینان خاطر عجیبی را به لوکاس نیل و گریک مور می‌بخشد.

هر چند حتی اگر او را در گل مشکوک ژاپن به استرالیا خطاکار قلمداد کنیم! البته باید به مصدومیت تونی پوپویچ مهره این تیم در خط دفاعی نیز اشاره کنیم که در نیمه نخست جایگزین مارک برشانو شد! در خط میانی حضور تیم کاهیل، برخلاف دیدار نخست این تیم چندان موثر و مفید واقع نشد و او پس از اینکه استرالیا تا دقیقه ۶۰ نتوانست به آن هارمونی همیشگی که در نیمه نخست آن را به تصویر کشیده بود، دست یابد جایش را به هری کیول نامدار سپرد. حضور هری کیول به جای کاهیل – که البته بازی نکردن ستاره اسبق لیدز و فعلی لیورپول خود جای بحث و سؤال و با باقی می‌گذارد– با آگاهی به این نکته که برخلاف کاهیل بیشتر علاقه دارد تا از جناحین به همان سبک سنتی بریتانیایی حملات تیمش را سازماندهی کند نشان‌دهنده برنامه گاس هیدینک بر روی توپ‌های بلند بود تا مارک ویدوکا و سپس جان آلویسی که هر دو

شادمانی مرد منفور



اوون هارگریوز هافبک منفور تیم ملی انگلستان البته از نگاه مردم عامه این کشور، از این که در پست ایده‌آل و دلخواهش در مرکز میدان در برابر سوئد قرار خواهد گرفت شادمان است. اسون گوران اریکسون سرمربی این کشور که در مسابقه آخر دیداری نسبتاً حساس و البته تماشایی با تیم کشورش دارد، بر آن است تا به استیون جرارد ستاره تیمش در خط میانی استراحت بدهد. اگر استیون جرارد در بازی با سوئد حاضر شود و آنگاه کارت زرد دریافت کند، دوکارته شده و نمی‌تواند در دیدار کشورش در یک‌شانزدهم نهایی با آلمان یا اکوادور حضور یابد. اما اوون هارگریوز که از شرایط کنونی‌اش در تیم ملی به سبب اعتماد اریکسون به او احساس رضایت می‌کند، می‌گوید: «اینجا– مرکز خط میانی– جایی است که من احساس راحتی می‌کنم. بسیار آسان با آن کنار می‌آیم. وقتی که شما در منطقه‌ای که در آن راحت و با آرامش بازی می‌کنید حاضر هستید، آنگاه مشکلی از بابت هماهنگی با مجموعه نخواهید دید. من همواره در بایرن‌مونخ در این جای‌ز می‌کنم. از اریکسون تشکر می‌کنم که به من همواره اعتماد دارد و مرا در برنامه‌های ویژه‌اش شرکت می‌دهد. از اینکه مردم چندان با حضور من در میدان شادمان نمی‌شوند گله‌ای ندارم.» هافبک کانادایی الاصل بایرن‌مونخ که توانایی بازی در مناطق بسیاری از زمین را دارد در خصوص بازی آینده تیمش می‌گوید: «دوست داریم سوئد را مغلوب کنیم تا با صدروشتنی در این گروه با غرور به کارنام پایان دهیم. سوئد برای پیروزی خواهد آمد و این موجب جذابیت دوچندان مسابقه می‌شود.» انگلستان و سوئد در حالی به مصاف هم می‌روند که انگلستان بیش از آنکه در اندیشه اتفاقات رخ داده در این گروه باشد، به سرنوشت آلمان و اکوادور و آن گروه می‌نگرد و سوئدنیز با تمام وجود در انتظار اخبار خوش از دیدار ترنیداد و توباگو– حریف اصلی آنها در راه صعود به دور بعدی– و پاراگوئه خواهد ماند.

آن «جوگوبونیتو»ی فراموش شده



سرزنانی قابل به‌شمار می‌روند از چنین ارسال‌هایی بهره جویند. کاهیل گرچه هیچگاه در گودیسون پارک یک هافبک هجومی صرف نشان نداده، اما در دیدار نخست بی‌تردید یگانه ناجی تیمش بود. از دقیقه ۶۰ به بعد و به لطف حضور هری کیول بتجربه و میدان‌دیده، آنگک هجومی استرالیا، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و سپس با بیرون رفتن یک مدافع یعنی گریک مور و حضور جان آلویسی مهاجم لالیگایی استرالیا برنامه‌های تهاجمی این تیم با حضور مارک ویدوکا در خط حمله، بیش از همیشه خطرناک‌تر شد.

در ادامه مسابقه هری کیول می‌توانست از دفع توپ مبتدیانه و مضحک دیدا – که مدتی است با چنین صفا‌تی خو گرفته است – بهره جوید، اما هافبک هجومی قدیمی این تیم در کمال بی‌دقتی، این موقعیت بادآورده را به دل آسمان فرستاد. او حتی نتوانست از دروازه خالی برزیل نیز برای به تساوی کشیدن بازی استفاده کند. برزیل در این میان کم و بیش و با حرکاتی نه چندان چشم‌نواز به سوی دروازه مارک شوارتزر حرکت می‌کرد، اما برای ارائه یک فوتبال جوگوبونیتو تنها حضور یک کاکای آماده و بی‌نهایت موثر کفایت نمی‌کرد. نکته تاریک و مأیوس‌کننده سلسائو در این دو بازی نه بحران مهلک رونالدو و نه عدم آمادگی آدریانو که حضور نه چندان چشم‌نواز رونالدینیو در دل این تیم است. رونالدینیویی که تمامی عاشقان این تیم در کل دنیا در انتظار همان نمایش آشایش در کاتالونیا اما در قالب تیم ملی برزیل ببوند. اما او نتوانسته، حتی

۲۰ درصد از «رونی»ای باشد که همه با تماشای هنرش به آسمان پرواز می‌کنند! گذشته از اینها نکته‌ای که جلب‌نظر می‌کرد اعتراض و «هو»کردن‌های تماشاگران حاضر در مونینخ بود. فریادهایی که هرگاه بازیکنان میانی برزیل برای آرام ساختن و فروکش کردن عطش استرالیا یک ضربه به دیدا پاس می‌دادند به اوج خود می‌رسید! نکته‌ای که در این بازی شایسته خیلی از حامیان فوتبال ناب این کشور را به فکر فرو برد، تعویض دقیقه ۷۲ کارلوس پیررا بود.

وقتی که شماره امرسون– که با کارت زردش، حضورش در بازی‌های آتی این تیم در خطر بود!– در تابلوی تعویض مشخص شد، بی‌شک همگان در انتظار ورود هافبک خلاق و فرمانده مقتدر ژرلاند یعنی جونیونیو پرناموجیانو بودند، اما در اوج شگفتی این کیلبرتو سیلوا بود که در راستای دفاعی ساختن بیش از پیش سلسائو جانشین ستاره یونوتوس شد! پس از آن و ۱۵ دقیقه انتهایی مسابقه، استرالیا فشار حملاتش را افزایش داد. دو ضربه متوالی مارک برشانو – که برخلاف فوق‌العاده نشان داد – که دومی‌اش با یک حرکات آکروباتیک زیبا همراه بود با واکنش‌های حیرت‌انگیز دیدا توأم شد و این تیم را بار دیگر در به ثمر رساندن گل تساوی‌اش ناکام کرد.

تملك بازی متعلق به تیم یکدست گاس هیدینک بود. هر چند کاکا نیز بر روی ضربه کرنر ارسالی رونالدینیو توانست با ضربه سر تیر دروازه استرالیا را به لرزه درآورد! در آخرین دقایق مسابقه فرد، مهاجم تکنیکی و انرژی‌ک لیون، که به جای آدریانو در میدان حضور داشت توانست از شوت روبینیو دیگر مرد تازه‌وارد برزیل، که با دفع ناقص مارک شوارتزر توأم شد بهره‌برد و دروازه خالی استرالیا را در ساده‌ترین کار ممکن باز کند. با این گل، استرالیا مایوس‌تر از همیشه شکست را باور کرد تا برای بازی سومش با کرواسی – که حکم یک فینال را خواهد داشت– خود را آماده کند.

برزیل به دومین پیروزی‌اش دست یافت. و پیروزی و ۶ امتیاز... اما این مجموعه نشان‌داد که نام «برزیل» با آن برج‌بست «جوگوبونیتو» برای چنین تیمی بیش از حد بزرگ است...! در ضمن، نکته‌ای که طعنه‌آمیز به نظر می‌رسد، حسرت نویسندگان انگلستان به مجموعه‌ای است که گاس هیدینک آن را به شکوفایی رسانده... این جمله از راب اسمیت نویسنده گاردین در خصوص تفاوت آشکار اریکسون و هیدینک روشن‌کننده بسیاری از ابهامات است: «در یک نیمه، گاس هیدینک نشان داد که از چه نگرش و تفکری شگرف در فوتبال بهره‌مند است، در حالی که اریکسون در این ۵ سال هنوز نمی‌داند بهترین ترکیب چیست؟!»

متزلدر خواهد رسید



مسابقه آخر آلمان با اکوادور صدزشتن گروه اول جام جهانی گرچه جنبه تشریفاتی دارد اما برای عدم برخورد ژرمن‌ها با تیم پرقدرت انگلستان جنبه حیاتی دارد. از این رو از اردوی تیم میزبان خبر می‌رسد کریستوف متزلدر مدافع بلندقامت بورسیا دورتموند به علت مصدومیت جزئی در آخرین تمرین این تیم در روز شنبه نتوانست در جلسه تمرینی صبح یکشنبه این تیم حضور داشته باشد. کریستوف متزلدر که به علت مصدومیت چیزی حدود دو سال رادور از میادین سپری کرده است، سرانجام در نهایت شگفتی از سوی یورگن کلینزمن به اردوی تیم ملی آلمان دعوت شد. حیرت‌انگیز تر از آن این بود که او توانست کاپیتان تیم محبوبش یعنی کریستین وورنز را برای حضور در تیم ملی پشت سر بگذارد و خود را در ترکیب اصلی دفاعی این تیم در کنار پرمساکر ببیند. یواخیم لو دستیار یورگن کلینزمن در خصوص وضعیت مدافع ژرمن‌ها که در نایب‌قهرمانی این تیم در دوره گذشته این جام نقشی انکارنشدنی ایفا کرد، می‌گوید: «برای بازی امروز مشکلی از این حیث نداریم. گمان می‌کنم او خواهد توانست به بازی برابر اکوادور برسد. او به هلت تیم رفت و در آنجا تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گرفت. وقتی از استخوان زانویش اسکن گرفته شد، دریافتیم که صدمه‌دیدگی او چندان جدی و مهلک نیست. ژرمن‌ها که هیچ علاقه ندارند در دور بعدی مسابقات با انگلستان صاحب آوازه و افتخار، تیمی که همواره به عنوان یک دشمن قدیمی برای آنها ایجاد دردسر کرده– هرچند نه به اندازه ژرمن‌ها– گرچه در دو بازی نخستش رگه‌هایی از آن انگلستان پرقدرت و پرشور را نشان نداد، اما اقتدر از بازیکنان توانا و مستعد بهره‌مند است که بتوانند در یک‌شانزدهم نهایی میزبان پردعا را مقهور خود سازد. یواخیم لو در انتها می‌گوید: «بازی ما با اکوادور بسیار مهم است. اینکه ما در روهمان صدزشتن شویم می‌تواند سبب افزایش توان روحی‌مان شود.»

□ نگاه

حذف شدیم

نارضایتی و ناراحتی این عده مزده و ناراحت را می‌توان در بلاگ جام‌جهانی ایران صریح و بی‌برده پیدا کرد، این بلاگ یکی از فعال‌ترین بلاگ‌های جام‌جهانی است. اگر زبان فارسی زبان رسمی آن بود حتماً این فعالیت گسترده‌تر می‌شد با این حال در اینجا ایرانی‌ها بیشتر ایرانی‌های مقیم خارج از کشور حرف‌های خود را راجع به محبوبشان «تیم ملی» بیان می‌کنند که اغلب خواندنی است. خصوصاً روزنامه‌نگاران ایرانی باید بخوانند تا ببینند مردم هم «خوب» می‌نویسند!

«افشین افشار» بنیانگذار این «بلاگ» در مطلب آغازین اعتقاد دارد که «دست‌کم بچه‌ها خیلی بهتر از نیمه دوم برابر مکزیک بازی کردند» اما او مهره‌چینی یوانکوئچ و رازیر سئوال می‌برد، مثلاً عقیده دارد زندی می‌توانست جای کنوانا خسته را بگیرد و برهانی به‌جای کریمی آسیب‌دیده بازی کند. به هر حال او در پایان می‌نویسد: «یک بازی دیگر و بعد می‌توانیم برای بازی‌های آسیایی تمرکز کنیم.» ساسان از کانادا می‌گوید: «اما باید یک جنگ عظیم با آنگولا برگزار کنیم.» چرا که او عقیده دارد: «ما از دور اول بیرون رفته‌ایم... ما فقط به دور دوم نرسیده‌ایم.» کیا از ایالات متحده می‌نویسد: «بخت ما برابر مکزیک بود که از دست دادیم.» البته برای او سؤال است که «نمی‌دانم چه بلایی سر علی کریمی آمده است؟» کیا پنج دقیقه بعد هم نظر دیگری به بلاگ ارسال می‌کند. در آن آرزو می‌کند «ای کاش ما مثل غنا در بازی برابر چک بازی می‌کردیم!» سعید از کانادا می‌پرسد: «آیا ما از سطح معمول خود بهتر بازی کرده‌ایم؟» و خودش جواب می‌دهد که «نه!» او در ادامه می‌گوید: «این [بازی با پرتغال] تکرار کابوس نیمه دوم بازی با مکزیک بود، من عصبانی و پرافروخته‌ام و فکر می‌کنم همه طرفداران فوتبال ایران در این عصبانیت و ناراحتی با من شریکند.» و «ناشاس» از ایالات متحده در پایان نوشته‌اش پس از تقدیر از مهلوی‌کی، تیمورزاد و هاشیمیان می‌نویسد: «فهرمان من کمی بود، نشان داد که در قلب و روح برخلاف اندام چقدر بزرگ است. او جنگ‌های تن به تن بسیاری را برد با اینکه پیراهن سباز کوچک می‌پوشد!»

او که در ابتدای مطلب خود بازی با پرتغال را خداحافظی غمتان با جام‌جهانی خوانده بود باور دارد که «شکست دادن تیم اروپایی در اروپا برای تیمی چون برزیل هم سخت است، ولی برای دیگر تیم‌های آسیایی موقعیت را آرزو می‌کنم تا از نام آسیا بهتر از ایران دفاع کنند.» در نظر بعدی نوید از ایالات متحده نوشت: «فکر نمی‌کنم «بچه‌ها» برای دویدن در یک نیمه دوم کامل آماده بودند.» پارسا از ایران با کمی اشتباه دستوری در چند خط به انگلیسی می‌نویسد: «ما باید بازی اول را می‌بردیم... علی کریمی خیلی بد بود و همچنین برانکو.» او نیز از ایالات متحده در نظر بعدی با پارسا مخالفت می‌کند و می‌گوید: «علی کریمی بد نبود، او فقط از آسیب‌دیدگی رهایی پیدا نکرده است.» آرش به بازی با پرتغال اشاره می‌کند و می‌گوید: «به‌خاطر یابورید که پرتغال دلیل جزه ۱۰ او در پایان از شریجه‌های بازیکنان ایرانی باز می‌برد. این تیم بهتر جهان نیستند و دلیل آن ضعف فاعی تیمی است برای ایرانی‌ها.»

سندی احتمالاً یک طرفدار پرتغال از کانادا به داوری ایراد می‌گیرد و می‌گوید: «باید گفت داوری در نیمه اول افتضاح بود، ایرانی‌ها با تقبل از پرتغال خطای بسیاری گرفتند. باشوا چرا چشمانت را گرفته‌ای وقتی حتی کسی تو را لمس نکرده است؟ او در پایان از شریجه‌های بازیکنان ایرانی باز می‌برد. او خورده از پرتغال می‌نویسد: «از بازی دفاعی ایران برابر ما تعجب کرده‌ام. مربی ما همیشه می‌گفت ایران سخت‌ترین حریف ما در این گروه است و او احترام بسیاری برای تیم ایران داشت. پس از نمایش برابر مکزیک فکر می‌کنم اضطراب بازیکنان دفاعی شما را ناکام گذاشت. ما توقع بیشتری از ایران داشتیم و توقع این بازی با تفکرات دفاعی را نداشتیم. شما شاید به این خاطر مضطرب بودید که عادت به بازی در جام‌جهانی ندارید. افشار هم در جواب به خورخه می‌نویسد: «تو عصبانیت بسیاری از ما را بازگو کردی.» چک از انگلیس نیز از حذف ایران متأسف است. کیا در جواب به سندی به خطای دکو روی نصرتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «فکر می‌کنی این هم تقبل بود؟ باید کوراشی!» استوارت از آمریکا می‌نویسد: «... من شما را به عنوان یکی از شگفتی‌ها به‌شمار می‌آوردم که از گروه خود صعود می‌کنید و به یک چهارم نهایی راه پیدا می‌کنید. مشکل بازی با پرتغال نبود خوب بازی کردید و در این بازی توقع داشتم که بازیازد. اما در بازی با مکزیک باید می‌پردیدی و نتوانستید...» «افاف» از ایران می‌نویسد: «برای جام‌جهانی ۲۰۰۶... این اشتباه طولانی که ایران حذف شد، بازی‌ها در حالا بهتر می‌شود.» کاوه از انگلیس دو عامل را مشکل اساسی تیم ملی می‌داند، دلایل او عبارتند از: ۱- کمبود شجاعت (برانکو) ۲- ضعف آمادگی جسمانی». بی‌بی‌سی از آمریکا همچنان به تیم ملی وفادار است و می‌گوید: «آنها بازی خوبی را برابر پرتغال مصمم انجام دادند.» بنو (با عنوانند گروه U2) اشتباهات طولانی که ایران در بحث داوری کرده‌است را به‌جای ایران در زمین بود...». «بعداً راب متوجه می‌شود که سیروس در یکی از مطلب‌های بلند خود به میزاپور و عملکرد خویش اشاره کرده بود. عاطفه از ایران می‌گوید: «اشب قبل فاجعه بود... همه مردم بیچاره در خیابان بودند تا خود را برای یک جشن بزرگ در خیابان آماده‌کنند... آنها همگی پرچم ایران داشتند... صورت خود را در رنگ پرچم ایران در آورده بودند... اما پس از بازی همه چشم‌ها گریان بود...»